

خسارت زیست محیطی و نحوه جبران آن در حقوق بین الملل

علی فقیه حبیبی^{۱*}

چکیده

محیط زیست با سرعت بی سابقه‌ای در حال تخریب می‌باشد، فقدان رویکرد یکپارچه نسبت به استراتژی‌هایی که چگونه جبران زیست محیطی باید در برنامه ریزی پروژه‌های مختلف که بر تنوع زیستی تأثیر دارند، اجرا شود، وجود دارد. علاوه بر این، فقدان رویکرد کل نگر نسبت به طبیعت در قوانین و شیوه‌های جبران زیست محیطی وجود دارد. خسارت زیست محیطی به اثرات منفی فعالیت‌های انسانی بر طبیعت گفته می‌شود. اصل جبران خسارت زیست محیطی عبارت است از به حداقل رساندن خسارات وارده به تنوع زیستی ناشی از فعالیت‌های انسانی، جبران خسارت راهی برای افزایش پایداری فعالیت‌های تجاری و ایجاد فرصت‌های جدید برای کسب و کار و حفاظت از طبیعت است. حوزه‌های احتمالی کاربرد خسارت شامل خدمات اکوسیستم، مواد مغذی، آب و هوا و تنوع زیستی می‌باشد. جرائم زیست محیطی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست که سبب می‌شود نتوان همچون جرائم ساده به ترمیم خسارات ناشی از آنها اقدام کرد. نخست آنکه گاه عواملان خسارت به زیست محی یا دولت است (مانند سدسازیهایی بی رویه‌های دولت‌ها) یا شرکت‌های قدرت مند (مانند شرکت‌های تولید کننده محصولات) که در پس لابی‌های قدرت - ثروت به رفتارهای ناقض محیط زیست اقدام می‌کنند. سوالی که در این تحقیق مدنظر است این است که خسارت زیست محیطی و نحوه جبران آن در حقوق بین الملل به چه شیوه‌ای می‌باشد؟ در همین راستا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌کند.

واژگان کلیدی: محیط زیست، خسارت، حقوق بین‌الملل، جبران خسارت

۱۶۱



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره پیاپی

سی و هشت

پاییز ۱۳۹۹

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

* am.haghighi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۱۸۲-۱۶۱

مقدمه

افزایش آگاهی و حساسیت عمومی نسبت به محیط زیست و جبران خسارات وارد بر آن و تدوین نظام خاص جبران خسارت زیست محیطی می‌تواند گامی مؤثر در راه رفع اشکالات موجود و جبران مؤثر خسارات، حمایت و حفاظت از محیط زیست باشد. جبران خسارات زیست محیطی، بویژه در خصوص آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های خطرناک، یکی از مسائل غامض نظام مسئولیت در حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب می‌شود. یکی از مشکلات این است که گاهی با وجود اتخاذ تمامی اقدامات پیشگیرانه، برخی فعالیت‌های مشروع و مجاز دولت‌ها که عموماً خطرناک نیز هستند، خسارات جبران‌ناپذیری به سایر اشخاص حقوق بین‌الملل و به خصوص به محیط زیست وارد می‌کنند. از آنجاییکه این فعالیت‌ها ممنوع نیستند، نظام سنتی مسئولیت مدنی در پاسخگویی به این خسارات کارآمد نمی‌باشد؛ از اینرو توسعه و تدوین نظام خاص جبران خسارات زیست محیطی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در این پژوهش تلاش بر این است که به تبیین ویژگی‌های خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل از روش توصیفی - تحلیلی برای ارزیابی ابعاد مختلف موضوع استفاده شود.

خسارات زیست محیطی

نبود تعریف جامع و مانع خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل، عمده‌ترین مانع پیش‌روی جبران خسارات زیست محیطی در عمل می‌باشد (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۱-۳۳۲). احراز مسئولیت مدنی بین‌المللی در قبال خسارات زیست محیطی قطعاً مجازات‌های مدنی ناشی از نقض تعهد بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت، خواه این نقض مربوط به قواعد حقوق بین‌الملل عمومی باشد یا به مفاد حقوق بین‌الملل محیط زیست، عمومی. اصل حاکم بر مسئولیت مدنی باید جبران خسارت وارده به دیگران در اثر عمل ناروا یا غیرقانونی ناشی از آن باشد. بنابراین، وجود ارکان مسئولیت مدنی در قبال خسارات زیست محیطی، نتیجه آن ایجاد حق شخص متضرر برای اقامه دعوی مدنی و مطالبه دعوی خواهد بود. قضاوت با مجازات مناسب که ممکن است غرامت غیرنقدی باشد تا با ترمیم آنچه در این عمل

مفسده آمده است، خسارات ناشی از عمل زیان آور متوقف شود و وضعیت به حالت قبل برگردد. یا اینکه غرامت نقدی بودن در صورت غیرممکن بودن غرامت غیر نقدی نامیده می شود یا در صورت عدم امکان غرامت نقدی و غیرنقدی متوسل به (توافق) می شود و این مورد تایید ماده قرار گرفته است. ۳۴ ماده پیش نویس در مورد مسئولیت بین المللی در قبال عمل متخلف بین المللی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، می گوید: «غرامت کامل خسارت ناشی از عمل متخلف بین المللی از طریق استرداد، جبران خسارت و رضایت به صورت منفرد یا ترکیبی خواهد بود.

خسارت زیست محیطی عبارت است از خسارتی که به اشخاص و یا محیط پیرامون زندگی انسان وارد می شود (Prieur, 1996: 947) خسارت زیست محیطی عبارت است از "خسارتی که بطور مستقیم به محیط پیرامون وارد می شود بدون توجه به بازتاب‌هایی که این خسارت‌ها بر اشیا و اموال دارد." در تعریف کلی خسارت می توان بیان کرد که عبارت است از: هر نوع آسیب دیدن یا تلف شدن مال یا عدم‌المنفع؛ ایجاد تغییرات سوء و مضر در اکوسیستم می باشد. (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۵) که این تعاریف از جهت مضمون و مفهوم خسارت جدید است.

احراز مسئولیت مدنی بین‌المللی در قبال خسارات زیست محیطی قطعاً مجازات‌های مدنی ناشی از نقض تعهد بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین، وجود ارکان مسئولیت مدنی در قبال خسارات زیست محیطی، نتیجه آن ایجاد حق شخص متضرر برای اقامه دعوی مدنی و مطالبه دعوی خواهد بود. قضاوت با مجازات مناسب که ممکن است غرامت غیرنقدی باشد تا با ترمیم آنچه در این عمل مفسده آمده است، خسارات ناشی از عمل زیان آور متوقف شود و وضعیت به حالت قبل برگردد. یا اینکه غرامت نقدی بودن در صورت غیرممکن بودن غرامت غیر نقدی نامیده می شود یا در صورت عدم امکان غرامت نقدی و غیرنقدی متوسل به (توافق) می شود و این مورد تایید ماده قرار گرفته است. ۳۴ ماده پیش نویس در مورد مسئولیت بین المللی در قبال عمل متخلف بین المللی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، می گوید:

«غرامت کامل خسارت ناشی از عمل متخلف بین المللی از طریق استرداد، جبران خسارت و رضایت به صورت منفرد یا ترکیبی خواهد بود.

خسارت زیست محیطی در طرح پیش‌نویس ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل خسارت زیست محیطی در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به اصول تخصیص زیان در خسارت فرامرزی ناشی از اعمال مخاطره‌آمیز:

بند اول اصل ۲ طرح پیش‌نویس اصول ۲۰۰۶ خسارت را چنین تعریف کرده است: خسارت عبارت است از ضرر مهم به اشخاص، اموال و محیط زیست که شامل موارد ذیل می‌شود:

(الف) ضرر به زندگی یا صدمه جسمانی؛

(ب) ضرر یا خسارت به اموال اعم از میراث فرهنگی؛

(پ) ضرر یا خسارت به وسیله اختلال در محیط زیست؛

(ت) هزینه‌های اقدامات معمول در جهت بازیابی حالت سابق نسبت به اموال یا محیط زیست، اعم از منابع طبیعی؛

(ث) هزینه‌های اقدامات واکنشی معمول (Schwabach, 2006: 2).

همانطور که مشاهده می‌شود در قسمت ج بند اول اصل ۲ طرح اصول ۲۰۰۶ به خسارات زیست محیطی صراحتاً اشاره شده است. باید توجه داشت که این خسارت زیست محیطی از طریق اعمال مخاطره‌آمیز ایجاد شده است؛ چه این خسارت همراه با خسارت به اشخاص و اموال باشد یا همراه با چنین خساراتی نباشد. بنابراین خسارت زیست محیطی طبق این اصول مستقل از هرگونه خسارت وارد به اشخاص و اموال می‌باشد. همچنین در قسمت د بند اول اصل دوم طرح اصول ۲۰۰۶ به هزینه‌های اقدامات معقول ترمیم اموال یا محیط زیست اعم از منابع طبیعی اشاره شده است. هزینه‌های معمول در پاکسازی محیط زیست علاوه بر اینکه شامل اقدامات معقول و معمول ترمیم می‌شود بلکه شامل هزینه‌های معقول اقدامات واکنشی مورد اشاره در قسمت ه بند اول اصل دوم نیز می‌باشد. در واقع این عناصر از خسارت، اشاره به تغییر نگاه به سمت تأکید بیشتر بر خسارات زیست محیطی دارند و اساساً جدای از خسارت به اشخاص و اموال است.

-ارزیابی خسارات زیست محیطی

ارزیابی خسارت زیست محیطی فرآیند پیچیده ای است که جنبه های مختلفی را در بر می گیرد مانند شرایط پایه، ماهیت و میزان خود خسارت یا خسارات موقت. همانطور که خود دیوان اشاره کرد، هیچ روش معتبر جهانی برای انجام چنین ارزش گذاری وجود ندارد. خسارت به معنای ضرر، زیان، آسیب، صدمه و نقصانی می باشد که به محیط زیست و حقوق آن ایجاد می شود. هرچند می توان گفت که در مورد تعریف «خسارات زیست محیطی اختلاف نظر وجود دارد. و خسارات وارد شده به محیط زیست با پول قابل بررسی و ارزیابی نمی باشد. (Gouilloud, 1991: & Dupuy, 1964) می توان گفت که هیچ روش جهانی برای ارزیابی آسیب زیست محیطی وجود ندارد

اما بر مبنای اهمیتی که محیط زیست طبیعی دارد همواره ارزیابی خسارات وارد شده به محیط زیست در راستای آسیب به حقوق بشر مورد بررسی قرار می گیرد (Hanqin, 2003: 232) اما به طور کلی در حقوق بین الملل و رد رابطه با خسارات وارد شده به زیست محیط به دنبال بیان شیوه جبران خسارات میباشند. برای حل این معضل مقررات خاصی پیش بینی شده است و برای حفاظت از آن تلاش می کند (فیروزی، ۱۳۸۴: ۴۷).

-حقوق بین الملل محیط زیست در پاسخ به این مساله سه راهکار پیشنهاد می کند:

۱) مسئولیت جبران خسارات زیست محیطی در پرداخت خسارات ایجاد شده و همچنین اقدامات جدیدی برای ایجاد ثبات در محیط می باشد. برای مثال: در جریان اشغال کویت توسط عراق، شورای امنیت در قطعنامه ۶۷۸ دولت عراق در رابطه با خسارات وارده اموال و اشخاص و منابع طبیعی کویت را مسئول دانسته و دولت عراق باید هزینه ها را پرداخت کند. هرچند گاهی اوقات برگرداندن به شرایط سابق و ارزیابی خسارات زیست محیطی نیز غیرممکن می باشد.

۲) بهترین شیوه پرداخت غرامت، پرداخت پولی می باشد که با این روش تلاش می شود به وضع سابق برگردند. (Birnie, 1995: 153) که نقدی که اینجا وارد است این است که تنها جبران خسارات محیط زیستی مد نظر نیست بلکه حمایت در برابر ایجاد کننده خسارت مدنظر است که در این روش مبهم می باشد.

۳. می توان گفت که می بایست متناسب با خساراتی که ایجاد شده باید غرامت پرداخت کرد اما نکته هایی که وجود دارد این است که یک سری خسارات قیمت مشخصی دارند و غرامت آنها مشخص است اما عده ای دیگر غرامت مشخصی ندارند چون قیمت آنها مشخص نیست مثل آب پاک، هوای پاک که به راحتی خسارات وارد شده مشخص نیست و بر مبنای سنجش عمومی و یا تاثیر گذاری آنها مطرح می شوند که در این شیوه تخصص بالایی نیاز دارد (موسوی، قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۶).

با وجود این به نظر می رسد صرف نظر از عدم سهولت ارزیابی خسارات زیست محیطی، تعیین سطح و معیار معینی که در آن دولت، مسئول جبران خسارات زیست محیطی وارده شناخته شود نیز در پرده ای از ابهام باقی مانده است. بنابراین با توجه به این ابهام تنها خساراتی که بالاتر از حد مجاز برآورد شده اند، مسئولیت عامل خسارت را به همراه داشته دارند.

-مسئولیت بین المللی دولت ها در خوداری و جبران خسارت زیست محیطی

الف. نظریه محدودیت دولت ها در اعمال حقوق خود در حقوق بین الملل کنفرانس ۱۶۴۸ وستفالی با خلق اصولی چون تساوی حاکمیت ها و عدم دخالت دولتها اصل (استفاده غیرزیان بار از سرزمین) را مورد تأیید قرارداد. برابری حاکمیت ها در بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد بیان شده است (هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور ملل متحد را مجاز نمی دارد که از اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست دخالت کنند و اعضا را نیز ملزم نمی کند که چنین موضوعاتی را برای حل و فصل تابع مقررات این منشور قرار دهند).

همچنین برابر حاکمیت دولت ها در بند یک از ماده ۲ منشور نیز مورد توجه قرار گرفته است که همان برابری رسمی دولت هاست که اصل یک دولت یک رأی است را در مقابل نابرابری های عینی را متذکر می شود. برابری حاکمیت در واقع به این معناست که دولت ها جهت برقراری نظم مبنی باید حقوق خود را به نحوی اعمال کنند که موجب نقض حقوق سایر کشورها نشود. اصل استفاده غیر زیان بر در حقوق بین الملل محیط زیست در اسناد و آرای متعددی مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به بررسی اصل فوق خواهیم پرداخت.

ب. اصل محدودیت در اعمال حقوق (اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین) در اسناد بین‌المللی

اعلامیه استکهلم

به موجب اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم دولت‌ها حقوقی دارند که بر مبنای آن می‌توانند شرایط و سیاست‌های محیط زیستی را بهبود بخشند و فعالیت‌ها در رابطه با منفعت و ضرر را مطابق صلاحیت کشور خود پیش ببرند..

ج. طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده

۱۶۷

کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۷۸ برنامه کار خود را موضوع «مسئولیت بین‌المللی برای پیامدهای زیانبار ناشی از فعالیت‌های که طبق حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند قرار داد. اما اشتغال بسیار زیاد کمیسیون به امور دیگر، وقفه‌ای چندین ساله در برنامه کار او ایجاد کرده، تا اینکه مجمع عمومی ملل متحده طی قطعنامه شماره ۵۰/۵۴ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۵، از کمیسیون خواست تا کار تهیه و تدوین نهایی مواد راجع به موضوع را از سر گیرد. کمیسیون نیز طی تصمیم ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶، گروه‌کاری ویژه‌ای را تأسیس نمود تا طرح مواد تهیه شده قبلی را کامل کند، تا پس از تأیید کمیسیون برای مجمع عمومی ارسال گردد. کمیسیون در سال ۲۰۰۱ طرح مواد راجع به جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک را تصویب کرد.

د. اعلامیه ریو ۱۹۹۲

اعلامیه ریو ضمن تأیید مفاد اعلامیه استکهلم، در اصل ۲ خود استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین را پیش‌بینی می‌کند. این اصل در واقع همان اصل ۲۱ مندرج در اعلامیه استکهلم است ولی با این تفاوت که در اصل ۲ اعلامیه به دنبال عبارت سیاست‌های محیط‌زیستی واژه «توسعه» اضافه شده است.^۱

ح. محتوا و ارزش حقوقی اسناد

اصولاً وقتی از قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست صحبت می‌کنیم اولین موضوعی که پیش از هر چیز توجه ما را به خود جلب می‌کند موضوع ارزش حقوقی اسناد

¹-Rio Declartion, 1992, Principle. 2.

محیط‌زیستی است. مهم‌ترین مشخصه غالب اسناد بین‌المللی زیست محیطی ویژگی اعلامی بودن آنهاست و به همین سبب حقوق قوام نیافته از مقام و منزلت ویژه‌ای در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برخوردار است. توصیف یک نرم حقوقی به صفت قوام نیافته عموماً مبین محدود بودن قدرت الزامی آن نرم است. به عبارت دیگر وصف یک به این ویژگی (قوام نیافتگی) نقش مهمی در جدا نمودن دو عالم مختلف یعنی حقوق از غیر از حقوق بازی می‌کند. به تعبیر دیگر عالم قوام نیافتگی مرحله‌ای قبل از مرحله الزامی است و با خروج از آن مبدل به یک قاعده الزام آور می‌شود. با توجه به اینکه غالب اسناد اعلامی ناشی از کنفرانس‌های بین‌المللی محیط زیستی دارای قدرت الزامی کامل نیستند ولی این متون بیانگر ظهور اصولی در پراتیک دولت‌ها و سازنده مبانی شکل‌گیری کنفرانسیون‌های بین‌المللی‌اند و به نظر آموزه‌های حقوقی اصول اعلام شده در این اعلامیه‌ها منعکس کننده قواعد حق بین‌الملل عرفی است. (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۲)

به طور کلی اعلامیه استکهلم و ریو به عنوان نخستین گام‌های در خصوص توسعه تدریجی حق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب می‌شوند ولی باید توجه داشت که محتوای اصول مذکور در این اسناد دارای ارزش حقوقی یکسانی نیستند؛ بعضی از اصول در برنده ماهیتی اعلامی و بعضی در بردارنده تعهدات بین‌المللی برای دولت‌ها هستند. در نتیجه این موضوع سبب ایجاد رویکردی دوگانه نسبت به ماهیت و ارزش حقوقی این اعلامیه‌ها در نظام بین‌المللی می‌گردد. (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۲)

و اصل محدودیت در اعمال حقوق (اصل استفاده غیر زیانبار از سرزمین) در مراجع

بین‌الملل آرای داوری

-قضیه تریل اسلمتر

در دهه ۱۹۳۰، دوران رسیدگی کننده به اختلاف بین کانادا و ایالات متحده نظریه یاد شده را به عنوان اصل قابل اعمال در روابط فی ما بین دولت ما تلقی کرده و تأیید کردند (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۳).

- قضیه دریاچه لانو

قضیه دریاچه لانو دومین رأی داوری است که به اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین می‌پردازد. در دواوری دریاچه لانو (Lac Lanoux) محکمه داوری، ادعای اسپانیا را مبنی بر اینکه، انحراف آب توسط فرانسه، از یک دریاچه فرانسوی به درون یک سیستم هیدرولیکی، بر بهره‌برداری آب اسپانیا اثر گذارده است رد نمود.

-تعهد به پیشگیری و احتیاط

به نظر می‌رسد که اصل پیش‌گیری از آلودگی، به عنوان بخشی خاص از تعهد عمومی از ایراد خسارت زیست محیطی بهترین تدبیر باشد. تمرکز فعلی بر پیشگیری از آلودگی هم از سوی صنایع و هم سیاست‌گذاران، انعکاس این آگاهی روز افزون است که خودداری و کاهش آلودگی تقریباً همیشه از تلاش برای اعاده وضعیت یک منطقه آلوده شده، کم خرج‌تر و مقرون به صرفه‌تر است. پیشگیری از آلودگی در عبارتی کلی بوسیله بسیاری کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های راجع به تحدید و رود منابع آلاینده به محیط‌زیست، پذیرفته شده است. اصل ۶ اعلامیه استکهلم این اصل را در عباراتی جامع و فراگیر این گونه بیان می‌دارد: «رهاسازی مواد سمی با سایر مواد و انتشار گرما در مقادیر مقیاسی که فراتر از توان محیط‌زیست برای سالم و بی‌خطر ساختن آنها باشد. باید به منظور حصول اطمینان در عدم اراد خسارت جدی و غیرقابل جبران بر اکوسیستم، متوقف گردند این اصل به بیان الکساندرکیس، قاعده طلایی^۱ برای محیط‌زیست هم از نظر اکولوژیک و هم از نظر اقتصادی می‌باشد. این اصل تکلیف می‌کند که هر دولتی در به کار گرفتن مقررات «باید سعی کند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به درستی و در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط‌زیست زیان آور نباشد، بعضی اوقات پیشگیری از آلودگی بواسطه افزایش کارآمدی، کاهش ضایعات و هزینه‌های ناشی از مسئولیت، منافع اقتصادی می‌باشد.

(عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۳)

انتهای لوله به رویکردهای واکنشی اطلاق می‌شود که عمدتاً پس از بروز آسیب زیست محیطی اتخاذ می‌شوند. نظام مسئولیت ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی از همین رویکردها است در تبیین این رویکرد می‌توان چنین گفت که اگر اعمال و

¹ -Golden Rule.

راهکارهای حفاظتی را از ابتدا تا انتهای یک لوله آلوده ساز در نظر بگیریم رویکردهای پیش‌بینانه و پیشگیرانه با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از تولید آلودگی به «ابتدای لوله» و رویکردهای واکنش به خروجی یا «انتهای لوله» می‌نگرند

اصل احتیاط یکی از مهم‌ترین اصول پایه‌ای محیط‌زیست برای پیشگیری و جلوگیری از وقوع خسارت زیست محیطی و در نتیجه دستیابی به توسعه پایدار است. همان گونه که در اعلامیه ریو آمده است، اصل احتیاط بیانگر این است که: «جای که تهدیدات وقوع خسارت جدی یا غیر قابل جبران زیست محیطی وجود داشته باشد، نباید فقدان اطمینان کامل به عنوان دلیلی برای در درجه دوم اهمیت قرار دادن و یا بی‌توجهی به تدابیر سودمند و مقرون به صرفه جلوگیری از کاهش کیفیت و تخریب محیط‌زیست، مورد استفاده واقع شود»^۱.

در نگاهی درست مفهوم احتیاط به عنوان بخشی از رویکرد دانش محور به مقررات عمل می‌کند نه آنکه جانشین چنین رویکردی باشد. در عمل نیز مفهوم یاد شده دارای صور چند گانه‌ای است.

اصل احتیاط، از پذیرش فزاینده این نکته نشات می‌گیرد که اطمینان علمی برای طرح پاسخ‌های مؤثر حقوقی و سیاسی به تهدیدهای بالقوه زیست محیطی، اغلب دیر حاصل می‌شود. در اصل، قاعده مذکور بار اثبات لازم برای طرح پاسخ‌های سیاسی را از عهده مدعی خارج می‌سازد و این عامل وقوع خسارت است که باید از عدم اطمینان علمی و یا لحاظ کلیه تدابیر احتیاطی به رغم وقوع خسارت، دفاع نماید و مرجع رسیدگی به آن را قانع سازد. اصل احتیاط ممکن است مشکلاتی در پی داشته باشد. برای مثال اعمال اصل احتیاط در حوزه پیشگیری از آلودگی باعث شد که شورای حکام یونپ، کشورهای عضو را به پذیرش موارد زیر وادار نماید: «روش‌های متعدد و مختلف تولید پاک (از جمله انتخاب مواد خام، جایگزینی محصول) و فن‌آوری‌های تولید پاک به عنوان وسیله اعمال اصل احتیاط به منظور بهبود و ترویج سیستم‌های تولیدی تقلیل دهنده وامحا می‌کنند ایجاد زائادات خطرناک...». اولویت قائل شدن برای روش‌های پاک، در معاهدات زیست محیطی به خوبی پدیدار شده است مانند کنوانسیون با ماکو. به طور

۱- اصل ۱۵ اعلامیه ریو^۱

کلی باید گفت که صورت بندی حقوقی واحدمورد توافق یا اصلی که در تمامی متون بکار رفته باشد وجود ندارد و احتیاط هنوز نتوانسته جایگاه پذیرفته شده عمومی به عنوان یک اصل حقوقی یا به عنوان حقوق بین الملل عرفی بدست آورد.

- روش های پیشگیری از خسارات زیست محیطی

- ارزیابی پیامدهای زیست محیطی

یکی از ابزارهای قانونمند در حقوق محیط زیست تطبیقی «ارزیابی پیامدهای زیست محیطی» است. هدف از این سیستم، پرهیز از هر گونه اشتباهات پرهزینه در برنامه ریزی های توسعه است. (حبیبی، ۱۳۸۴: ۲۶۹)

۱۷۱

- ارزیابی توسط مؤسسات بین المللی (بانک جهانی)

- امروزه کلیه بانک های توسعه چند جانبه، دارای سیاست ها و تدابیر ارزیابی پیامدهای زیست محیطی هستند. توجه فزاینده به امور زیست محیطی در سال ۱۹۸۹ با صدور دستورالعمل بانک برای ارزیابی زیست محیطی (ODEA) و اصلاحیه بعدی آن در سال ۱۹۹۱ تجلی یافت.

- ارزیابی پیامدهای زیست محیطی توسط کشورها

امروزه در اغلب کشورهای قوانین ارزیابی پیامدهای زیست محیطی وجود دارد.

- مفهوم مسئولیت بین المللی

مسئولیت جزئی از موجودیت «حکومت قانون» است. این مسئله هم در سطح داخلی و هم در سطح بین المللی واقعیت دارد. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «بارسلونا تراکشن» در سال ۱۹۷۰ صریحاً به شناسایی آن پرداخت. مسئولیت جزئی ضروری از حقوق است.

ضرورت حفظ در جامعه بین المللی، ایجاب می کند که دولت ها مسئول تمامی فعل ها و ترک فعل های خود باشند. در واقع هیچ دولتی نمی تواند بدون قبول و رعایت حقوق دولت های دیگر از حقوق خود بهره مند گردد. این امر، مفهوم مسئولیت دولت را وارد حقوق بین الملل می کند. مسئولیت بین المللی یکی از مهم ترین رشته های حقوق بین الملل است که از ماهیت و جایگاهی ویژه برخوردار است.



¹ -operational Directive on Environmental Assessment

مسئولیت حقوقی بین‌المللی تکلیفی است که به موجب قواعد حقوق بین‌الملل به یک دولت تحمیل می‌گردد تا خساراتی را که در نتیجه نقض قواعد حقوق بین‌الملل به دولت دیگری وارد کرده است، جبران کند (فرخی، ۱۳۹۲: ۱۸) دکتر رضا فیوضی به نقل از پروفسور بادوان در تعریف مسئولیت بین‌المللی دولت، چنین نقل می‌کند «مسئولیت بین‌المللی از نهادهای حقوقی است که به موجب آن دولت ناقض یک قاعده حقوق بین‌الملل، موظف می‌گردد خسارات ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند». (فیوضی، ۱۳۷۹: ۲۶) هریس در تعریف مسئولیت بین‌المللی می‌گوید: «در هر نظام حقوقی برای کوتاهی در انجام تکالیفی که توسط قواعد آن نظام به وجود آمده است باید تعهدی وجود داشته باشد، چنین تعهدی در حقوق بین‌الملل به مسئولیت معروف می‌باشد.» (Harris, 1998: 111) بالاخره پروفسور براونلی در این زمینه می‌نویسد: «در روابط بین‌المللی، همچون سایر روابط اجتماعی، تهاجم به منافع قانونی یک تابع حقوق، توسط دیگری موجب ایجاد مسئولیت در اشکال مختلف که توسط آن سیستم حقوقی خاص تعیین شده می‌گردد، به طور خلاصه مسئولیت با بروز و آثار اعمال غیرقانونی، به ویژه پرداخت غرامت برای زیان وارده مرتبط است.» (Brownlie, 1990: 30) در نظام حقوق بین‌الملل، مسئولیت دولت بر لزوم ایفای تعهداتی که بر عهده دارد، پایه گرفته است. بر اساس این تعهد است که دولتی به دلیل نادیده گرفتن تکالیف ناشی از نظام حقوق بین‌الملل در برابر دولت دیگر مسئول قلمداد می‌شود. کلیه دولت‌ها به دلیل ارتکاب اعمالی که طبق موازین حقوق بین‌الملل غیرقانونی تلقی می‌شوند به نحو یکسان مسئولیت بر عهده دارند. یک دولت نمی‌تواند با دستاویز قرار دادن مقررات نظام حقوقی ملی خود و یا اعمالی که در آن نظام مشمول ممنوعیت نشده‌اند، خود را از مسئولیت مبرا کند. سرانجام در ماده یک پیش‌نویس طرح کنوانسیون مسئولیت دولت می‌خوانیم:^۱ «هر عمل نادرست بین‌المللی یک دولت، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن دولت است.»^۲ ملاحظه می‌گردد در طرح مواد راجع به مسئولیت، عنصر خسارت از عناصر تشکیل دهنده مسئولیت حذف شده است اما این به معنی نادیده انگاشتن عنصر خسارت در

^۱ - www.Un.org/Law/lic/reporls.htm.

^۲ - International Wrangfull Act

مسئولیت نمی‌باشد، زیرا عمل خلاف حقوق بین‌الملل در هر صورت منجر به خسارت (اعم از مادی یا معنوی) خواهد گردید. در هر حال اجرای مسئولیت بین‌المللی زمانی امکان‌پذیر است که قاعده حقوق بین‌الملل مورد تجاوز قرار گرفته باشد. لذا لازم است که در سطح بین‌الملل، عمل نامشروعی (نادرستی) صورت گرفته باشد. دولتها باید کلیه معیارهای متعارف را برای جهت جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی مشخص کنند چرا که این رویه بر مبنای قضایی بین‌المللی ایجاد شده است. (مظفری، ۱۳۷۹: ۴۶).

۱۷۳

جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین‌الملل

اعطای غرامت در حقوق بین‌الملل رویه متفاوتی داشته است. در حالی که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) تاکنون تنها سه حکم غرامت صادر کرده است، حمایت مالی در سایر زمینه‌های حقوق بین‌الملل مانند حل و فصل اختلاف سرمایه‌گذار و دولت رایج است. ارزیابی می‌کنند راهنمایی‌های ارائه شده توسط پیش نویس مواد در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال نادرست بین‌المللی و نظرات آنها، رویکردهای اصلی ارزیابی که توسط دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی اتخاذ شده است، از جمله رویکردهای ارزیابی خسارت غیر مادی و نقشی که ملاحظات عادلانه می‌تواند در این زمینه ایفا کند و رویکردهای اعطای غرامت برای خسارت زیست محیطی در رویه قضایی بین‌المللی را بررسی می‌کند. (Jason, 2020: 5-14)

پیچیدگی محیط به این معنی است که اصول سنتی جبران خسارت در حقوق بین‌الملل به چالش کشیده می‌شود. در گذشته روند مشخصی در اعطای غرامت پولی برای آسیب‌های زیست محیطی دیده شده است.

با این حال، در بسیاری از موارد، دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی انتخاب‌های روش‌شناختی متفاوتی را انجام داده‌اند. علاوه بر این، آنها اغلب روش‌های پیشنهادی دولت‌های عضو در دعوا را رد کرده‌اند و در مواردی، کارشناسان خود را برای ارزیابی آسیب‌های زیست محیطی منصوب کرده‌اند.

عملکرد رژیم‌های بین‌المللی فراتر از رویه دادگاه‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی برای شناسایی و ارزیابی سایر رویکردها برای ارزیابی غرامت زیست محیطی تمرکز می‌کند. به

طور مشابه به دنبال نشان دادن چگونگی تصور این رژیم‌ها از آسیب زیست محیطی است و مفهوم گسترده چنین آسیبی را در رژیم‌های خاص دنبال می‌کند. (60-72): (Jason, 2020)

در واقع، رویکردهای کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد (UNCC)، رژیم بین‌المللی جبران آلودگی نفتی (IOPC)، چارچوب‌های حاکم بر مسئولیت حوادث هسته‌ای، آسیب‌های ناشی از فعالیت‌ها در فضا، قطب جنوب و استخراج معادن در بستر دریا را می‌توان بیان کرد که مکانیسم متفاوت برای خسارات و خسارات بین‌المللی که برای رسیدگی به اثرات تغییرات آب و هوایی و ظهور رویکرد اکوسیستم را در کنوانسیون‌های حفاظت از محیط زیست و همچنین سایر اقدامات نهادی بین‌المللی برجسته می‌کند.

می‌توان گفت که چندین روش در ارزیابی جبران خسارت زیست محیطی شایسته بررسی بیشتر است. اولاً، دادگاه‌ها و دادگاه‌ها دارای حاشیه هستند تا ملاحظات عادلانه را در احکام خسارات خود در نظر بگیرند. این می‌تواند برای در نظر گرفتن رفتار طرفین، رویکرد اکوسیستم و ابعاد تغییرات آب و هوایی مورد استفاده قرار گیرد.

دوم، دادگاه‌ها و دادگاه‌ها می‌توانند محل مناسبی برای بررسی مسائل پیچیده علمی باشند، اما باید رویه‌های منسجم‌تری برای توسل به کارشناسان ایجاد شود. سوم، ارتباط با حقوق بشر احتمالاً در ارزیابی غرامت زیست محیطی مرتبط تر می‌شود زیرا ما به طور فزاینده‌ای از تأثیر آسیب‌های زیست محیطی می‌تواند بر حقوق افراد یا جوامع آگاه شویم. مسئولیت نهادهای خصوصی برای احترام به حقوق بشر نیز در دعاوی اخیر، متعارف و سایر رویه‌های بین‌المللی به طور فزاینده‌ای آشکار شده است. (Jason, 2020: 75-95)

الف) بسیاری از صدمات زیست محیطی با توجه به ماهیت عناصر زیست محیطی برگشت ناپذیرند

ب) همچنین دولت‌های خسارت دیده در قبال صدمات زیست محیطی از طرح دعاوی جبران خسارت‌های زیست محیطی در اغلب موارد و یا طرح چنین دعاوی صرفاً به صورت مطالبه غرامت برای پوشش دادن هزینه‌های مالی متنوع مصروف پس از ورود این‌گونه صدمات، مانع دیگر پیش‌روی شیوه جبران خسارت اعاده به وضع سابق در

حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این درحالی است که چنین هزینه‌هایی را باید در زمره خسارات مالی طبقه‌بندی کرد. همچنین برای پرداخت غرامت مالی سقف مشخصی تعیین کرده‌اند.

به طور مثال می‌توان جبران خسارت در پرونده بین نیکاراگوئه و کاستاریکا را مطرح کرد کهخ پرداخت غرامت را بررسی می‌کند و به شرح زیر می‌باشد.

در قضیه حفر کانال بین‌نیکاراگوئه و کاستاریکا در سال ۲۰۱۳ که به رای دادگاه تاکید کردند برای پرداخت غرامت و جبران خسارات وارده به محیط زیست، بیان شد که کاستاریکا با تکیه بر رویه کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد (UNCC) و سایر نهادهای داوری، حق دریافت غرامت برای آسیب‌های زیست محیطی، از جمله آسیب به منابع زیست محیطی که ارزش تجاری ندارند، را دارد. ادعاهای آن برای غرامت بر اساس دو دسته خسارت بود، یعنی خسارت زیست محیطی قابل اندازه‌گیری، و هزینه‌ها و هزینه‌های متحمل شده در نتیجه فعالیت‌های غیرقانونی نیکاراگوئه، از جمله هزینه‌های نظارت یا اصلاح آسیب‌های زیست محیطی ناشی از آن. کاستاریکا ۲۲ دسته از کالاها و خدماتی را شناسایی کرد که ممکن بود تحت تأثیر قرار گیرند، اما فقط برای ۶ مورد از آنها، به ویژه چوب‌های ایستاده، ادعای غرامت ارائه کرد. سایر مواد خام (فیبر و انرژی)؛ تنظیم گاز و کیفیت هوا؛ کاهش خطرات طبیعی؛ تشکیل خاک و کنترل فرسایش؛ و تنوع زیستی، از نظر زیستگاه و نهالستان هر یک از این دسته‌ها سر خسارت جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شد.

کاستاریکا مدعی شد که روش مناسب ارزیابی با ماهیت، پیچیدگی و همگنی آسیب زیست محیطی متحمل شده، بستگی دارد. بنابراین رویکرد اکوسیستمی یا چارچوب خدمات زیست محیطی را پیشنهاد کرد که از نظر آن برای تالاب‌های حفاظت شده تطبیق داده شد. با این روش ارزش‌گذاری، ارزش تخصیص یافته به آسیب زیست محیطی، کالاها و خدماتی را که ممکن است در بازار مبادله شوند یا نشوند، در نظر می‌گیرد. ارزیابی آسیب زیست محیطی ممکن است استفاده مستقیم و غیرمستقیم از کالاها و خدمات زیست محیطی را در نظر بگیرد. کالاها و خدمات قابل مبادله (مانند چوب) دارای "ارزش استفاده مستقیم" هستند. در حالی که کالاها و خدمات غیرقابل تجارت

(مانند جلوگیری از سیل یا تنظیم گاز) دارای "ارزش مصرف غیرمستقیم" هستند. در راستای این دیدگاه، کاستاریکا از یک رویکرد انتقال ارزش برای اکثر کالاها و خدمات تحت تأثیر استفاده کرد که به آنها امکان داد ارزش پولی را با ارجاع به ارزشی که از مطالعات اکوسیستم‌هایی که شرایط مشابهی در نظر گرفته می‌شود، اختصاص دهد^[8]. کاستاریکا در ارزیابی خود فرض کرد که اکوسیستم به یک دوره بازیابی ۵۰ ساله برای بازگشت به وضعیت قبل از آسیب نیاز دارد. بنابراین کاستاریکا مبلغ کل غرامت ۲,۸۸۰,۷۴۵,۸۲ دلار آمریکا را برای خسارت زیست محیطی ناشی از اقدامات نیکاراگوئه درخواست کرد (KINDJI, 2019: 2-12). غرامت باید به طور دقیق، صحیح و تا حد امکان مطابق با زیان وارده باشد. البته، اگر خسارت جنبه مادی داشته باشد، باید در تعیین میزان غرامت، خسارت احتمالی را نیز در نظر گرفت. بنابراین، غرامت شامل هرگونه خسارتی می‌باشد که از حیث مالی قابل ارزیابی است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۴۹۹). در همین راستا می‌توان گفت که جلب رضایت زیان دیده برای جبران خسارت شیوه‌های دیگری مانند: عذرخواهی، تنبیه‌شخص مجرم، تلاش برای انجام اقداماتی برای جلوگیری از عمل زیان بار (موسوی، و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۷-۳۳۹).

فصل دوم طرح پیش‌نویس ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، نتایج گسترده‌ای را به یک تخلف بین‌المللی منتسب می‌کند. دولت متضرر دولت دیگر را به (۱) توقف فعل (متخلفانه، ۲) اجرای شیوه‌های جبران خسارت حقوق داخلی، (۳) استقرار مجدد وضعیت قبل، در غیر این صورت پرداخت غرامات مناسب و پیش‌بینی تضمین‌هایی در مقابل تکرار مجدد ملزم می‌کند. گزارشگر ویژه، نتیجه موارد فوق را اینگونه خلاصه می‌کند: «حقوق تلاش می‌کند وضعیت قبل از قصور در انجام تعهد را اعاده نماید و در صدد است تا نتایج تخلف را به گونه‌ای بزداید». در حالیکه به جبران خسارت مورد استفاده در مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل مفهوم منطبق‌تر و محدودتری داده شده است و هیچ تعهد مطلقاً در خصوص قطع فعالیت و یا در ارتباط با اعاده وضعیت سابق یا جبران خسارت کامل ناشی از ضرر وارده وجود ندارد. Boyle, 1990: 17-18) تا قبل از پیشرفت‌های شگفت‌آور دانش بشری، اصولاً فعالیت‌های دولت‌ها در حدی نبود که صدمات قابل توجهی به دولت‌های دیگر و محیط

زیست وارد کند و یا اگر هم آثار فعالیتی به ماورای مرزهای دولتی سرایت می‌کرد، نادر بود و نیاز به شکل‌گیری قواعد خاصی در آن زمینه احساس نمی‌شد. با پیشرفت علم و صنعت، بشر دست به فعالیت‌هایی زد که گرچه ممنوع نبود ولی آثار بالقوه خطرناکی برای دیگران و به ویژه برای محیط زیست دربرداشت. ایجاد تأسیسات اتمی و بهره‌گیری از نیروی اتمی، حفاری چاه‌های نفت در دریا، آزمایش‌های بیولوژیک و ... از این جمله فعالیت‌ها هستند که در صورت وقوع خسارت، ضرری فاجعه بار به دیگران و محیط زیست می‌رسد.

۱۷۷



خسارت زیست
محیطی و نحوه
جبران آن در حقوق
بین‌الملل

مسئله علم حقوق که هدف نهایی خود را بسط و اجرای عدالت می‌داند به چنین پرسش‌هایی "آری" نمی‌گوید. حقوق هیچگاه نسبت به ورود ضرر به دیگران یا حتی احتمال آن بی‌اعتنا نیست، ولو آنکه منشأ و مبدأ ورود، عمل مجاز و مشروع باشد. امکان دارد علی‌رغم اتخاذ تمام اقدامات پیشگیرانه، برخی فعالیت‌های مجاز دولت‌ها که عموماً خطرناک هم هستند و در حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند، خسارات جبران‌ناپذیری به محیط زیست و مناطق خارج از صلاحیت دولت منشأ وارد نمایند؛ بنابراین ایجاد ضمانت اجرا و سازکار جبرانی برای جبران چنین خسارتهایی اهمیت می‌یابد. با تصویب طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل می‌توان مدعی شکل‌گیری قواعد جدید و مؤثر در خصوص جبران خسارات زیست‌محیطی شد. تصویب این طرح پیشرفتی عظیم در زمینه جبران خسارات فرامرزی و به خصوص جبران خسارات زیست‌محیطی محسوب می‌شود. البته به این طرح انتقاداتی نیز وارد شده است؛ یکی از این انتقادات، مسئولیت جبران خسارات فعالیت‌های خطرناک بطور کلی بدون تفکیک قائل شدن بین فعالیت‌های مختلف است. وظیفه جبران خسارت تعیین شده مربوط به تمامی فعالیت‌های مشخص شده در ماده یک مواد می‌باشد. بدلیل این دامنه گسترده، کمیسیون مجبور شده است پیامدهای این فرض ابتدایی خود را بعداً محدود کند.

نتیجه گیری

جبران خسارت متعلق به موضوعات حقوق بین الملل است که هم کلاسیک و هم بسیار مدرن است جنبه کلاسیک مربوط به استرداد و غرامت به عنوان دو شکل عمده تعهد جبران خسارت است که محتوای مسئولیت دولت ها را در قبال اعمال متخلف بین المللی تشکیل می دهد. بعد مدرن موضوع به حق غرامت افراد و بازیگران مختلف غیردولتی مربوط می شود.

ماهیت تعهد کلی مسئولیت دولت ها در جلوگیری از ایراد خسارت زیست محیطی ناشی از اعمال قانونی، که تعهدی به وسیله است باید به تعهد نتیجه تغییر کند که لزوم چنین تغییری توجه به مفاهیمی مانند حاکمیت و اقتصاد است چرا که این دو مفهوم در تصویب و اجرای معاهدات بین المللی محیط زیست که نقش موثری در مقوله جبران خسارت وارده به زیان دیده دارند ایفا می کنند. پس باید برای حفظ محیط زیست که بیانگر نیازمندی های حیات و زیست انسان به لوازمی اساسی؛ لوازمی که پیدایی و پدیداریشان اساساً از قدرت و توانایی انسان خارج است و نهایتاً برآوردسازی این نیاز،

تنها از عهده این طبیعت مهربان بر می آید و بس. پس باید جامعه بین المللی در جهت محدودیت حاکمیت خود جهت احترامن به حقوق زیست محیطی بشر گام بردارند به نظر می رسد که جبران خسارت زیست محیطی همچنان با چالش هایی مواجه است. همچنین ایجاد نظام حقوقی خاص متناسب با ماهیت خسارت وارده شده که باعث حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات زیست محیطی و همچنین حمایت از محیط زیست می باشد و به ترویج و تشویق ارتباط بین سازمان های غیر دولتی، آژانس های بین المللی و مقامات رسمی دولتی در کنار سطح رابطه سنتی حقوق بین الملل نیز توجه اساسی شود.

۱۷۹



خسارت زیست
محیطی و نحوه
جبران آن در حقوق
بین الملل

منابع

ابراهیم گل، علیرضا، (۱۳۹۳)، *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها*، چاپ ششم، تهران: شهر دانش.

زمانی، قاسم (۱۳۸۱)، "توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست"، *مجله پژوهش‌های حقوقی موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش*، سال اول شماره ۱، تابستان.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ چهل و دوم، تهران: گنج دانش.

عبداللهی، محسن (۱۳۸۱)، *جنایت بر ضد محیط زیست و حقوق بین‌الملل*، *مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره شماره ۴.

فیوضی، رضا (۱۳۷۹)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و نظریه حمایت سیاسی» دو جلد، انتشارات دانشگاه تهران.

فیروزی، مهدی (۱۳۸۴)، «حق بر محیط زیست» تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

فرخی، رحمت اله، (۱۳۹۲)، «مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه و اعمال منع نشده دولت‌ها در قبال خسارات هسته‌ای»، *فصلنامه تعالی حقوق*، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۳.

موسوی، سید فضل الله، قیاسیان، فهیمه، (۱۳۹۰)، «جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه حقوق*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره چهل و یک، شماره ۱.

مظفری، محمدحسن، (۱۳۷۹)، *نظام مسئولیتی حقوق بین‌الملل محیط زیست (مسئولیت آلوده‌کنندگان آب‌ها)*، چاپ اول، دهلی: انتشارات مکتب اشاعه

القرآن

میراب زاده، پرستو (۱۳۸۴) سازمان حفاظت محیط زیست مالزی، راهنمایی ارزیابی پیامدهای زیست محیطی، انتشارات سازمان محیط زیست..

یدایی امناب، محسن، (۱۳۸۹)، "رویکرد نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خسارت‌های زیست محیطی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

Jason Rodal (2020), Compensation for Environmental Damage Under International Law, eBook Published February 3, 2020 DOIhttps://doi.org/10.4324/9780429341496.

K. KINDJI and M(2019), The ICJ and the compensation for environmental damage in Nicaragua/Costa Rica case: Does the application of equitable principles offset independent technical expertise? FAURE on 31 March

Schwabach, Aaron, (2006), *International Environmental Disputes (Contemporary World issues)*, ABC-CLIO (publishing).

Gunter, Handl, (1981), *Gut Dam claims*, E.P.I.L, Vol.2, R. Bernhardt (Ed).

Hanqin, Hue, (2003), *Transboundary Damage in International Law*, Cambridge University Press

Birnie, P.W, (1995), *International convention civil liability for oil pollution damage, Basic document, on International Law and Environment*, First edition, Oxford: Clarendon press

Boyle, Alan, (1990), "State Responsibility and International liability for Injurious Consequences of acts not prohibited by International Law: a necessary Distinction", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 39.

Brownlie, Ian. principle of public international law, clardon press, oxford, forth edition, 1990

Dupuy, Pierre Marie, Gouilloud, Martine Remond, (1991), *The preservation of The Marine Environment*, In Dupuy & Vignes, A Handbook on the new Law of the sea, Vol.2, Martinus Nijhoff.